

## کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای از برخی آیات پانزده جزء دوم قرآن<sup>۱</sup>

مسعود فکری<sup>۲</sup> و اکرم مدنی<sup>۳</sup>

### چکیده

بررسی شیوه‌های ترجمه قرآن و بیان نقاط قوت و ضعف آنها می‌تواند برای مترجمان فعال در این عرصه راهگشا بوده و دانش ترجمه قرآن را بالنده‌تر و پویاتر نماید. از آنجایی که هدف از ترجمه قرآن فهم بهتر آن در زبان مقصد است، در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه مقصد‌گرای لادمیرال (۱۹۹۴م.)، که شامل مؤلفه‌هایی چون جابه‌جایی، افزوده‌سازی و تفسیر حداقلی برای درک بهتر خواننده مقصد است، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای از پانزده جزء دوم قرآن واکاوی شده است تا ضمن ارزیابی انطباق این نظریه بر ترجمه، میزان موفقیت مترجم در ارائه ترجمه‌ای روان و سلیس در مقصد نیز سنجیده شود. نتایج تحقیق به این نکته اشاره دارد که در این ترجمه مؤلفه‌های افزوده‌سازی، تفسیر حداقلی و ناهمگون‌سازی نظریه لادمیرال بیشترین بسامد را دارا می‌باشد. مترجم با هدف مقصد‌گرایی و افزوده‌هایی که جهت درک و فهم بهتر خواننده آورده، ضمن روان‌سازی متن، ترجمه را از متن اصلی قرآن بلندتر ساخته تا جایی که می‌توان این ترجمه را یک تفسیر مختصر از قرآن تلقی کرد.

**واژه‌های راهنما:** پانزده جزء دوم قرآن، ترجمه قرآن، ژان رنه لادمیرال، مهدی الهی قمشه‌ای

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۷ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ به تصویب رسید.

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: mfekri@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: madani58@ut.ac.ir

## ۱- مقدمه

مهم‌ترین فایده ترجمه قرآن، افزایش معرفت باورمندان به آن و در مرتبه بعد تبلیغ برای کسانی است که هنوز به دین اسلام مشرف نشده‌اند؛ در این بین با توجه به رسالت قرآن برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها این ضرورت صد چندان می‌شود. اما ترجمهٔ قرآن به جهت وحیانی بودن، رمزآلود بودن، چندلایه‌گی و فرابشری بودن آن، پیچیدگی‌هایی هم دارد. به عبارتی دیگر،

سخن از این نوع ترجمه، سخن از فرآیندی برای انتقال است که در یک سوی آن گوینده کلام و پردازنده سخن، خداوند باری تعالی است و در سوی دیگر، پردازنده سخن مترجمی است که از بهره‌ای کاملاً زمینی با تمام محدودیت‌های انسانی برخوردار است (پاکتچی، ۱۳۹۲، ۱۳۲).

ترجمه قرآن را نمی‌توان با متن قرآن یکی دانست. چنان‌که بیشتر مترجمان مدعی شده‌اند که نه می‌توان لطافت و قوت عربی آن را حفظ نمود و نه مفاهیم و رموزش را منتقل کرد.

هرگونه ترجمه قرآن اساساً نوعی تفسیر است یا دست کم مبتنی بر درک متن است و در نتیجه دیدگاه خاصی را القا می‌کند؛ از اینرو اولویت با مترجمان مسلمان است نه مترجمان غیرمسلمان. اصطلاحاتی نظیر شرح، تفسیر و تأویل در بافت ترجمه قرآن، رنگ تفسیر به خود می‌گیرند و این مسئله برای مشروعیت بخشیدن به کار ترجمه این کتاب، معانی خاصی دربردارد (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶، ۳۲۷).

سابقهٔ دیرین ترجمه قرآن به زبان فارسی، بیانگر ارادت ایرانیان به این کتاب آسمانی است. از جمله این ایرانیان که این پژوهش به بررسی ترجمه ایشان مبادرت نموده، محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای (۱۲۸۰ش - ۱۳۵۲ش) فقیه، فیلسوف، عارف و مترجم قرآن است. وی از محضر استادان بسیاری کسب فیض نمود و می‌توان گفت: «ترجمه قرآن مجید توسط مهدی الهی قمشه‌ای از جمله معروف‌ترین آثار به جا مانده از اوست که در حال حاضر فراگیرترین ترجمه در ایران است» (بستانی و حویدر، ۱۳۹۱، ۲۳).

## ۱-۱- بیان مسئله

قرآن مهم‌ترین منبع برای بررسی‌ها، مطالعات و پژوهش‌های اسلامی است. از آغاز نگارش

کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای ... ۴۱

قرآن تاکنون مسلمانان به آموختن آن پرداخته و بر محور آن بررسی‌های گوناگونی را گسترش داده‌اند. به طوری که قرآن را می‌توان یکی از پرتترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. با این حال،

قرآن بر خلاف کتب عهدین، فاقد ترجمه رسمی است و در جهان اسلام، نه کسی برای ترجمه‌ای دعوی قدسی بودن کرده و نه هیچ ترجمه‌ای از قرآن کریم توانسته است به جای متن عربی قرآن، از کاربرد مناسبی برخوردار شود (پاکتچی، ۱۳۹۲، ۱۳۷).

در ترجمه متون اسلامی و به خصوص قرآن، مترجم به لحاظ اهمیت ویژه این نوع متون، باید بیشترین توجه خود را به دو نوع موضوع یعنی عنصر بافتار و مسائل فرهنگی مبذول بدارد.

بافتار و نظام متنی از جمله عناصر آشنا-ناآشنا و نیز چگونگی آرایش کلمات در جملات متون دینی از اهمیت بخصوصی برخوردار است و کوچکترین تغییر در این عناصر منجر به تحریف پیام و دخالت در محتوای آن می‌شود و متون دینی به لحاظ ماهیت ویژه خود، تحمل چنین تحریف و دخالتی را ندارد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۷، ۱۸۰).

با توجه به حساسیت قرآن و اهمیت انتقال معنا به مقصد، این پژوهش بر آن است تا ترجمه الهی قمشه‌ای از برخی آیات پانزده جزء دوم قرآن را با نظریه مقصدگرای لادمیرال (۱۹۹۴م.) تطبیق دهد و میزان تطابق ترجمه را با مؤلفه‌های این نظریه بسنجد.

## ۲-۱- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با تکیه بر نظریه لادمیرال در صدد آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن تا چه میزان با نظریه مقصدگرای لادمیرال (۱۹۹۴م.) تطابق دارد؟

۲- آیا ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن سلیس و روان است؟

## ۳-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که در وهله نخست نظریه لادمیرال (۱۹۹۴م.) و مؤلفه‌های آن تبیین خواهد شد و سپس میزان تطبیق این نظریه بر نمونه‌هایی تصادفی از ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجا که نظریه لادمیرال نظریه‌ای شناختی است که عنصر جهان‌بینی در آن حضور داشته و حداقل در دو مؤلفه خود یعنی

افزوده‌سازی و تفسیر حداقلی با آنچه در ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن کریم ملاحظه می‌شود، همسویی دارد، برای ارزیابی این ترجمه بر اساس این نظریه مناسب می‌نماید. هر چند دامنه آماری موارد بررسی از آیات نیمه دوم قرآن کریم بسیار گسترده است و در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، اما به جهت تنگنای ارائه و تحلیل، تنها ۱۵ نمونه از آن به‌طور تصادفی در این نوشتار آورده شده و تلاش گردیده است مؤلفه‌های نظریه لادمیرال بر آنها تطبیق داده شود.

#### ۴-۱- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش شامل مقالاتی است که ترجمه الهی قمشه‌ای از قرآن را واکاوی نموده‌اند:

- مقاله بررسی نقدی ترجمه الهی قمشه‌ای بر سوره مبارکه بقره، حسن مجیدی (۱۳۹۸ش)؛ این مقاله در پی آن است تا حد ممکن آسیب‌هایی را که دامنگیر ترجمه قرآن و مترجمان آن است به صورت خلاصه بیان نماید و با توجه به نکات بلاغی و علمی موجود در آیات، ترجمه‌ای نزدیک‌تر به خود آیات قرآن ارائه می‌دهد.

- مقاله الهی قمشه‌ای و ترجمه قرآن (۱۳۹۱ش)؛ قاسم بستانی، عباس حویدر، این پژوهش با بررسی ترجمه بیشتر از ده جزء آخر قرآن، اشکالات ترجمه قمشه‌ای را بر می‌شمارد.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علی آزادی (۱۳۸۰ش)؛ نقد و تحلیل و مقایسه تطبیقی دو ترجمه قرآن (پانزده جزء اول) از ترجمه‌های مهدی الهی قمشه‌ای و بهاء‌الدین خرمشاهی که در آن، دو ترجمه به تفصیل نقد و بررسی شده و اختلافات و اشتباهات دو ترجمه از نظر ساختار صرفی، لغوی و نگارشی یادداشت شده‌اند.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، خداکرم یزدان‌پناه (۱۳۷۷ش)؛ مقایسه ترجمه قرآن کریم از مهدی الهی قمشه‌ای با ترجمه عبدالمحمد آیتی (ترجمه پانزده جزء اول)، در پایان پژوهش تمام موارد در جدولی تنظیم شده است و ترجمه صحیح را در مقابل ذکر کرده و بعد از پایان به نقد کلی آن دو ترجمه پرداخته است.

جستجوی نگارندگان حاکی از این است که تاکنون هیچ پژوهشی، ترجمه فارسی الهی قمشه‌ای از قرآن را طبق نظریه مقصدگرای لادمیرال (۱۹۹۴م.) بررسی نکرده و پژوهش حاضر نخستین در این زمینه است.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

در میان متخصصانی که در حوزه فلسفه به ارائه نظرهایی در خصوص ترجمه‌شناسی پرداخته است، ژان رنه لادمیرال<sup>۴</sup> (۱۹۴۲م.) فیلسوف، مترجم و نظریه‌پرداز معاصر فرانسوی است. وی دیدگاه خود را بر تلفیقی از دو حوزه مهم در فلسفه یعنی فلسفه زبان و نظریه شناخت قرار داده است و بر اساس آن، به ارائه نظرهایی در خصوص ترجمه پرداخته که در نوع خود نگرشی نو در حوزه ترجمه‌شناسی محسوب می‌شوند. به عقیده لادمیرال چنانچه ترجمه‌شناسی و مباحث مربوط به آن از منظر مترجم که فردی دارای قوه ادراک و تشخیص است، بررسی شود، جایگاه ترجمه‌شناسی بیشتر در حوزه نظریه شناخت قرار می‌گیرد. از این دیدگاه مترجم به‌هنگام ترجمه یک متن به تعامل با جهان بینی‌ای می‌پردازد که در تفاوت و گاه در تضاد با جهان‌بینی جامعه مقصد قرار دارد، ضمن آنکه در قالب زبان خود یعنی زبان مبدأ نیز بیان شده است. در این حالت مترجم با دو رویکرد روبه‌رو می‌شود. اول آنکه تأکید و اهمیت ترجمه را بر انتقال محتوا و رعایت نحوه بیان نویسنده و حفظ ساختار زبانی متن مبدأ قرار دهد و از این طریق به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی بپردازد که چنین ترجمه‌ای به دلایل مختلف از جمله عدم توانایی در بیان پیام متن و همچنین انعکاس زبان مبدأ در مقصد که خود نوعی هنجارشکنی محسوب می‌شود، رضایت مخاطب خود را برآورده نخواهد ساخت. شیوه دیگر، اتخاذ روشی مشابه با شیوه مطالعات در حوزه «قوم‌نگاری»<sup>۵</sup> است. «در این حالت مترجم همانند یک قوم‌نگار به مطالعه در خصوص اندیشه‌ها و جهان‌بینی موجود در پس هر یک از زبان‌های مبدأ و مقصد می‌پردازد. تجربیات، ارزش‌ها و تصوراتی را که در قالب یک زبان بیان شده است، در چارچوب فرهنگ و جامعه همان زبان بررسی می‌کند و به شناسایی آنها می‌پردازد و سپس در مرحله بعد، این تصورات و ارزش‌ها را در چارچوب فرهنگ و جامعه مقصد بیان می‌کند» (حقانی، ۱۳۸۶، ۲۱۲). بر این اساس، لادمیرال

---

۴. Jean-René Ladmiral

۵. Ethnographie

مترجمان را متناسب با گرایش آنها به یکی از زبان‌های مقصد یا مبدأ به دو گروه «مبدأ محور»<sup>۶</sup> و «مقصد محور»<sup>۷</sup> تقسیم می‌کند. لادمیرال در این خصوص از «روح متن»<sup>۸</sup> به‌جای درک و تفسیر متن استفاده می‌کند. او با تأثیر از مکتب پاریس خود به صراحت جانب مترجمان مقصدمحور را می‌گیرد. لادمیرال در سال ۱۹۷۲م. برای نخستین بار واژه «ترجمه‌شناسی» و «مطالعات ترجمه» را به کار برد که هدف از آن بررسی و رویارویی با مشکلات ترجمه مستقل از زبان‌شناسی و ادبیات بود. او کتاب «گزاره‌هایی در باب ترجمه»<sup>۹</sup> را در سال ۱۹۹۴م. نوشت. بر اساس نظریه او «ترجمه راهبردی تجویزی می‌یابد که طبق آن حفظ کلام (صورت و معنا) یا باید با محوریت فرهنگ مبدأ و یا فرهنگ و زبان مقصد صورت پذیرد» (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۳، ۸۴). او معتقد است هدف ترجمه‌شناسی مولد، بیش از آنکه تولید و گردآوری دانش در زمینه‌های مختلف ترجمه باشد، اشاعه گفتمان فرهنگ ترجمه‌شناختی است، گفتمانی که بر اساس آن مترجم با تکیه بر اندیشه بتواند عمل ترجمه را بهتر انجام دهد.

او ترجمه را در کتاب خود چنین تعریف می‌کند:

ترجمه بیان همان چیز به زبانی دیگر است و تمام ابهامات موجود در باب مفهوم معادل‌یابی را در برمی‌گیرد. عملیاتی فرا ارتباطی که هویت گفتار را به واسطه تفاوت میان زبان‌ها تضمین می‌کند. گفتار پیام خاص سخنور یا نویسنده است که زبان را به کار می‌گیرد. محصول تعامل زبان و گفتار، متن است که از اطلاعات تشکیل شده است (لادمیرال، ۱۴۰۰، ۲۱۳).

لادمیرال، معتقد است که محدود نمودن ترجمه به رمزگردانی ساده نادرست است و ترجمه باید با بازنویسی همراه باشد و مترجم در آن به تولید معنا یا آفرینش مجدد بپردازد.

---

۶. Sourciers

۷. Ciblistes

۸. Geist der Textvorlage

۹. Traduire: théorèmes pour la traduction

کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای . . . ۴۵

لادمیرال علی‌رغم لحن اندکی جزم‌آمیز قضایای خود، با توجه به اینکه به توصیف نظری عمل ترجمه می‌پردازد، بیشتر به عنوان نظریه‌پرداز توصیفی مشهور است تا تجویزی. او در کتاب خود ضرورت بازسازی بافتی را نشان می‌دهد که امکان درک دقیق متنی را که در حوزه‌ی خود نوآورانه است، در زبان مقصد فراهم می‌کند (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۰).

مؤلفه‌هایی که او برای ترجمه ارائه می‌دهد، به شرح زیر است:

### ۱-۲- جابه‌جایی<sup>۱۰</sup>

این شیوه فقط در سطح دستور زبان انجام می‌شود. با توجه به تفاوت قواعد دستوری هر زبان با زبان دیگر، گاهی جایگاه کنشگران جمله و نیز اطلاعات موجود در زبان مقصد متناسب با ساختار دستوری زبان مقصد جابه‌جا می‌شود. مثلاً شکستن جملات بلند عربی و تبدیل آنها به چند جمله کوتاه فارسی، تبدیل اسم یا مصدر به فعل و یا جابه‌جا کردن فعل از ابتدای جمله عربی به آخر جمله فارسی از این موارد است.

### ۲-۲- تکرار<sup>۱۱</sup>

گاهی در متن مبدأ، تکرار وجود ندارد، اما در ترجمه برای اجتناب از ابهام در معنا باید به تکرار روی آورد. مثلاً در جملات عربی با وجود چهارده صیغه افعال مختلف، گاهی مترجم ناگزیر به تکرار اسامی یا مرجع ضمیر در ترجمه می‌شود. در این مواقع با توجه به جنسیت‌گرایی زبان عربی، تکرار امری ضروری است.

### ۳-۲- حق انتخاب مترجم<sup>۱۲</sup>

با این مؤلفه لادمیرال به مترجم حق انتخاب می‌دهد تا معادل مناسبی ارائه دهد که بیشترین همخوانی را با متن مبدأ داشته باشد. یعنی مترجم از متن مبدأ فاصله می‌گیرد و دست به انتخاب متفاوت با دال و مدلول متن مبدأ می‌زند.

---

۱۰. Chasse croise

۱۱. Repetition

۱۲. Le choix du traducteur

#### ۴-۲- ابهام‌زدایی<sup>۱۳</sup>

آنچه که سبب ابهام در متن می‌شود ویژگی‌ها و مختصات زبانی مختص هر زبان است. مثلاً زمانی که مترجم با ضمائر جنسیتی، عددی و یا واژگان مبهمی در متن مبدأ برمی‌خورد، در اینجا لادمیرال شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی را پیشنهاد می‌کند؛ چون معتقد است معنا باید به هر قیمتی منتقل شود.

#### ۴-۲-۵- ناهمگون‌سازی<sup>۱۴</sup>

لادمیرال مترجم را تشویق می‌کند با فاصله گرفتن از مدل‌های متن مبدأ، دال‌های دیگری با همان بار معنایی در متن مقصد بازآفرینی کند. این شیوه در ترجمه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها کاربرد بیشتری دارد.

#### ۴-۲-۶- آنتروپی<sup>۱۵</sup>

بی‌شک ترجمه در عمل همواره نسبی و مانند هر عمل ارتباطی دیگری با میزان معینی از اتلاف اطلاعات همراه خواهد بود. گاهی در متن مبدأ کلماتی وجود دارند که فاقد بار معنایی در مقصد هستند که این امر اغلب به ساختار زبان‌ها مرتبط است. ترجمه نکردن این کلمات خللی به ایجاد معنا وارد نمی‌کند. مثلاً واو ابتدائیه و یا امّای شرطیه تفصیلیه عربی که در ترجمه حذف می‌شود. این فرآیند در عملیات ترجمه بنابر الزاماتی نظیر الزامات فرهنگی، زبانی و سبکی رخ می‌دهد.

#### ۴-۲-۷- افزوده‌سازی<sup>۱۶</sup>

این مؤلفه برعکس آنتروپی، شامل افزوده‌هایی در سطح دال و یا مدل‌ها است. لادمیرال معتقد است مترجم باید اطلاعات ضمنی متن مبدأ را که برای انتقال معنای مورد نظر نویسنده

---

۱۳. La desembedding

۱۴. Dissimilation

۱۵. Entropie

۱۶. Incrementialisation



مبدأ، ضروری هستند به مقصد منتقل کند.

#### ۸-۲- انتقال<sup>۱۷</sup>

در اینجا منظور از انتقال همان شیوه‌ای است که وینی و داربلنه در کتاب خود «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روشی برای ترجمه<sup>۱۸</sup>» مطرح می‌کنند. یعنی واحد ترجمه، واژه نیست بلکه ترکیب نحوی و معنادار است و لادمیرال نیز بر آن صحنه می‌گذارد. انتقال یعنی تغییر در ساختار بدون تغییر در معنا که بر دو نوع اختیاری و اجباری است.

#### ۹-۲- تفسیر حداقلی<sup>۱۹</sup>

لادمیرال از کمترین تفسیری صحبت می‌کند که گاهی ترجمه بدون آن گویا و شفاف نخواهد بود. مترجم فقط تا جایی مجاز به تفسیر است که خواننده را در درک بهتر معنا یاری رساند، نه اینکه خود یک اثر کامل بیافریند.

#### ۱۰-۲- چستی ترجمانی<sup>۲۰</sup>

مترجم پیوسته در ترجمه باید توجه داشته باشد که آیا این کمینه اطلاعات در هر سطح از زبان موجود در متن مبدأ، مرتبط به گفتار خود نویسنده است و یا از زبان مبدأ ناشی می‌شود. اطلاعات نویسنده را باید منتقل کرد ولی اطلاعات زبانی را می‌توان با توجه به ضرورت‌های نوشتاری زبان مقصد ارائه داد.

#### ۱۱-۲- خوانایی<sup>۲۱</sup>

مترجم باید بر متن مبدأ اشراف کامل داشته باشد تا بتواند متنی قابل فهم و خوانا برای خواننده مقصد ارائه کند. این امر گاهی با افزودن یادداشت‌هایی به متن و ارائه اطلاعات بیشتری

---

۱۷. Transposition

۱۸. comparative stylistics of French and English: a methodology for translation

۱۹. Interpretation minimale

۲۰. Quodite traductive

۲۱. Lisibilité

به خواننده همراه است.

### ۳- بررسی و تحلیل تطبیقی

با اینکه بسیاری از مفاهیم قرآنی از افق اندیشه بشر بسیار بلندتر و گنجانیدن آنها در قالب الفاظ دشوار است، اما مترجمان همواره کوشیده‌اند با حفظ حداکثری پیام الهی در ترجمه، آن را به مخاطب منتقل نمایند. نمودار ساختن مقصود نویسنده از درونمایه متن مبدأ کار دشواری است و این دشواری در ترجمه متون مقدس به اوج خود می‌رسد؛ زیرا از طرفی قدسیت این متون مانع از هرگونه تغییر در ساختار زبانی متن اصلی می‌گردد و از طرفی دیگر ناگزیر باید معنا را به خواننده مقصد انتقال داد تا حقیقت پیام الهی را آن‌گونه که باید درک کند. نظریه ترجمه لادمیرال تا حدودی دست مترجمان را در انتخاب معادل مناسب و کاهش یا افزایش متن برای انتقال حداکثری معنا به مقصد، باز می‌گذارد و می‌گوید: «نظریه‌های ترجمه از دیرباز با مسئله فلسفی همان و دیگری مواجه بوده‌اند. به عبارتی دیگر متن مقصد همان متن اصلی نیست؛ اما از طرفی نمی‌توان آن را متن دیگری خواند. مفهوم وفاداری به متن اصلی دارای ابهام است؛ چون نمی‌دانیم وفاداری نسبت به درونه است یا برونه» (لادمیرال، ۱۴۰۰، ۲۸). اکنون ترجمه آیات زیر طبق مؤلفه‌های نظریه لادمیرال (۱۹۹۴م.) مورد بررسی قرار می‌گیرد تا میزان مقصدگرایی الهی قمش‌های را بسنجیم:

۱-۳- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الإسراء: ۱)

«پاک و منزّه است خدایی که در (مبارک) شبی بنده خود (محمد ص) را از مسجد حرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را (به قدوم خاصان خود) مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا آیات (و اسرار غیب) خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا (و به امور عالم غیب و شهود) بیناست» (اسراء: ۱).

- در این آیه شریفه، مترجم با افزوده‌سازی، قصد واضح نمودن پیام را دارد و این شیوه ترجمه را با توضیحات اضافی و تفسیری می‌آمیزد و نیز فهم خود را به مخاطب ارائه می‌کند. از طرفی مترجم با توجه به ساختار زبان فارسی ناگزیر به انتقال اجباری فعل‌ها به

آخر جملات فارسی شده است.

۲-۳- ﴿وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾  
(الإسراء: ۴)

«و در کتاب (تورات، یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی) خبر دادیم که شما بنی‌اسرائیل دو بار حتماً در زمین فساد و خونریزی می‌کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می‌یابید (یک بار به قتل اشعیا و مخالفت ارمیا، و بار دیگر به قتل زکریا و یحیی)»  
(اسراء: ۴).

- مترجم با آوردن افزوده‌هایی در پرانتز یا تفسیر حداقلی به فهم بهتر خواننده کمک کرده است. کلمه «عُلُوًّا» به معنای ارتفاع و در آیه مورد بحث، کنایه است از طغیان به ظلم و تعدی، زیرا علو عطف بر فساد شده که عطف تفسیری است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۵۰). اما ترجمه عبارت قرآنی «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» با توجه به دستور زبان فارسی روان نیست. جمله‌های عربی معمولاً با واو ابتدائیه یا استینافیه شروع می‌شود که بنابر مؤلفه آنتروپی، این واو در ترجمه حذف می‌شود، چون در معنا دخیل نیست.

۳-۳- ﴿وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا﴾  
(الإسراء: ۱۳)

«و ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد) در روز قیامت کتابی (که نامه اعمال اوست) بر او بیرون آریم در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند» (اسراء: ۱۳).

- «در مجمع البیان گفته شده: کلمه «طَائِرًا» در اینجا اعمال انسان است و عمل آدمی را به طائری تشبیه کرده است» (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۷۵). مترجم آن را به مقدرات و نتیجه اعمال خوب و بد ترجمه نموده و در پرانتز هم تفسیر حداقلی آورده است. واژه «مَنشُورًا» نیز با ترجمه تفسیری ترجمه گردیده است.

۴-۳- ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (الإسراء: ۱۴)

«(و به او خطاب رسد) خودت کتاب اعمالت را بخوان (و بنگر تا در دنیا چه کرده‌ای) که خود تنها برای رسیدگی به حساب خود کافی خویش هستی» (اسراء: ۱۴).

- «در این آیه، جمله یقال له در تقدیر است» (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۷۶). مترجم این جمله را در پرائتز آورده است. تکرار واژه «خود» در ترجمه ضروری به نظر می‌رسد؛ چون تکرار، متضمن نوعی تأکید است.

۳-۵- ﴿وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ (الإسراء: ۱۷)

«چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح (به جرم کفر و عصیان) هلاک کردیم و تنها خدای تو که بر گناهان بندگانش آگاه و با خبر است کفایت می‌کند (که به مصلحت هر که را عقاب و هر که را خواهد عفو کند)» (اسراء: ۱۷).

- آوردن مترادف برای برخی از واژه‌ها مانند ملل و موارد داخل پرائتز یعنی ترجمه دال با تشدید معنا همراه بوده و مترجم به انتقال اطلاعات معنایی اضافی روی آورده است تا دلالت‌های ضمنی را به خواننده منتقل سازد. زیرا این اطلاعات درون مایه گفتمان متن اصلی قرآن است.

۳-۶- ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا﴾ (الإسراء: ۲۶)

«و (ای رسول ما تو خود و امتت) حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار» (اسراء: ۲۶).

- شیوه ترجمه الهی قمشه‌ای بر آوردن مترادف و افزایش معنا تکیه دارد. به‌طور مثال برای خویشاوندان مترادف ارحام و برای فقیران صفت بیچاره به ترجمه اضافه شده است. مترجم با شکست جمله عربی، فعل «آت» را در فارسی دو بار ترجمه کرده است. همچنین عبارت «وابن السبیل» به معنای در راه مانده است، ولی مترجم با ناهمگون‌سازی، به رهگذران ترجمه نموده است.

۳-۷- ﴿إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ (الإسراء: ۲۷)

«و هرگز اسراف مکن که مبذران و مسرفان (آنان که مال و عمر خود را بیهوده صرف خیالات باطل شیطانی کنند) برادران شیطانند و شیطان است که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد» (اسراء: ۲۷).

- جمله اول آیه تعلیلی بر نهی از تبذیر بوده که مترجم افزوده‌هایی به ترجمه اضافه کرده

کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای . . . ۵۱

است. جمله «و هرگز اسراف نکن» معادلی در آیه ندارد و باید داخل پرانتز قرار می‌گرفت. واژه «المُبَدِّرِينَ» هم به مبذران و هم مسرفان ترجمه شده است. عبارات داخل پرانتز نیز تفسیر حداقلی از متن قرآن است.

۸-۳- ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ (الإسراء: ۲۹)

«نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم بسته‌دار، و نه هرگز باز و گشاده دار، که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست» (اسراء: ۲۹).

- دست به گردن بستن کنایه از خودداری از بخشش نمودن، درست مقابل بسط ید است که کنایه از بذل و بخشش می‌باشد. در اینجا می‌توان بدون ایجاد تغییر در معنا، معادل‌هایی را در ترجمه، جایگزین دلالت‌های ضمنی متن اصلی کرد. اما مترجم به صورت تحت‌اللفظی عمل کرده است.

۹-۳- ﴿وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا﴾ (الكهف: ۸)

«و ما آنچه را زیور زمین گردانیدیم باز همه را به دست ویرانی و فنا می‌دهیم» (کهف: ۸).  
- مترجم برای اینکه مرجع ضمیر «ها» را مشخص کند، زیور زمین را به ترجمه افزوده و نوعی ابهام‌زدایی کرده است. واژه «جُرُزًا» در عربی به معنای «زمین بی‌گیاه و بایر» است، اما مترجم با روش ناهمگون‌سازی، معادل مناسبی یعنی «فنا و نابودی» را در فارسی برگزیده است.

۱۰-۳- ﴿وَلْيُبْثَا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ (الكهف: ۲۵)

«و آنها در کهف خود سیصد سال و نه سال هم زیادتر درنگ کردند (بهود بر علی علیه السلام در این آیه اعتراض کردند که نه سال زیاده در تورات نیست فرمود که سال شما شمسی و سال ما قمری است)» (کهف: ۲۵)

- ترجمه فارسی سیصد سال و نه سال کاملاً گرت‌برداری از ساختار عربی است. مترجم تفسیر حداقلی هم در پرانتز آورده است که اطلاعات ضمنی را به خواننده منتقل سازد. به عقیده لادمیرال «فرا ارتباط ترجمه‌ای با برقراری ارتباط میان دو زبان سبب عینیت بخشی به دلالت‌های ضمنی می‌شود و این امر را جلوه‌گر می‌سازد که دلالت‌های ضمنی فرهنگی

هر زبانی مخصوص بافت آن زبان است و به همین علت باید ترجمه شود»  
(لادمیرال، ۱۴۰۰، ۱۷۶).

۱۱-۳- ﴿قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا﴾ (الكهف: ۹۸)

«ذوالقرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) از لطف و رحمت خدای من است و آن گاه که وعده خدا فرا رسد (که روز قیامت یا روز ظهور حضرت قائم (عج) است) آن سد را متلاشی گرداند و البته وعده خدا محقق و راست خواهد بود» (کهف: ۹۸)

- مترجم با توجه به اختلاف ساختار دو زبان، ناچار به ترجمه ضمایر مستتر در عربی به صورت اسم شده که منجر به افزوده‌سازی در ترجمه گردیده است. همچنین مترجم دلالت ضمنی واژه «وعد» را در پراتنز به صورت یک تفسیر حداقلی آورده است. لادمیرال معتقد است «دلالت ضمنی فقط یک ضمیمه ذهنی سبک شناختی نیست که واژه را به معنای صریح مزین یا معزز کند، بلکه یک مؤلفه اطلاعاتی است که فرا ارتباط ترجمه‌ای آن را هم ردیف دلالت صریح قرار داده است» (لادمیرال، ۱۴۰۰، ۱۷۱).

۱۲-۳- ﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ (مریم: ۱۲)

«(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به وی خطاب کردیم که) ای یحیی، تو کتاب آسمانی ما را به قوت (نبوت) فراگیر، و به او در همان سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم» (مریم: ۱۲)

- افزوده‌سازی در ترجمه از زبان عربی که زبان ایجاز و اختصار است به زبان فارسی که زبان اطناب است، بیشتر نمود می‌یابد. در این آیه نیز مترجم ابتدا با یک افزوده‌سازی در پراتنز، اطلاعات ضمنی متن را به خواننده می‌رساند.

۱۳-۳- ﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا﴾ (مریم: ۷۷)

«(ای رسول) دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد (مانند عاص بن وائل کافر) و (به خباب بن ارت مؤمن به استهزاء و مسخره) گفت: من البته مال و فرزند بسیار (در بهشت هم) خواهم داشت (و آنجا طلب تو را می‌دهم)» (مریم: ۷)

- مترجم مرجع تمام ضمایر را به صورت اسم ذکر کرده و نیز در پراتنز اطلاعات فرازبانی

کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای . . . ۵۳

آورده که سبب طولانی‌تر شدن ترجمه از متن اصلی شده است. اما لادمیرال درج این تفسیر حداقلی را به منظور شفاف‌سازی و فهم بهتر خواننده متن ضروری می‌داند. هرچند تمام لایه‌های معنایی قرآن را نمی‌توان به زبان دیگر برگرداند.

۱۴-۳- ﴿وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (النمل: ۱۲)

«و دست در گریبان خود کن تا چون بیرون آید نه از مرض (برص)، بلکه از نظر لطف (خدا) سپید و روشن (چون ماه تابان) گردد، آن گاه با نه معجزه الهی (یعنی عصا و ید بیضا و ملخ و قمل و ضفدع و خون و شکافتن دریا و کوه و طوفان) به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو» (نمل: ۱۲)

- مترجم کوشیده تا اطلاعات ضمنی فراتر از متن اصلی را در اختیار خواننده بگذارد و برای نه معجزه حضرت موسی (ع)، تفسیرهایی در پراکنش ارائه داده که در متن قرآن نیست.

۱۵-۳- ﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ (النبأ: ۴)

«چنین نیست (که منکران پنداشته‌اند) به زودی (به وقت مرگ) خواهند دانست» (نبأ: ۴)

- این آیه شریفه در متن قرآن تکرار شده است. بیکر معتقد است «زبان عربی به خاطر استفاده از تکرارهایش به عنوان یک وسیله مهم بلاغی معروف است. این تکرارها شامل تکرار صورت و معنی است، در نتیجه یک موضوع بارها به شیوه مختلف تکرار می‌شود تا با بیان چندباره آن خواننده اقناع شود» (بیکر، ۱۳۹۳، ۲۷۷). مترجم مرجع ضمیر را ذکر کرده و افزوده‌هایی به صورت تفسیر حداقلی در ترجمه داشته است.

در تحلیل آیات و تطبیق نظریه لادمیرال بر نمونه‌های ترجمه، ملاحظه می‌شود که هر چند از پانزده مؤلفه نظریه لادمیرال تنها مؤلفه‌هایی همچون افزودن سازی، تکرار، تفسیر حداقلی و ابهام‌زدایی در این ترجمه‌ها بسامد بالایی دارند، اما همین مؤلفه‌ها این ترجمه را از روانی و قابلیت فهم بودن برخوردار می‌نمایند.

۴- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بررسی نمونه‌های این پژوهش مشاهده شد، ترجمه در بیشتر موارد با شیوه تفسیر حداقلی، انتقال، جابه‌جایی و افزوده‌سازی نظریه لادمیرال تطابق دارد. مترجم علاوه بر دارا بودن دانش زبانی و آگاهی از هر دو زبان عربی و فارسی، از ویژگی دیگری یعنی توانایی تأویل و تفسیر متن قرآن نیز برخوردار بوده به‌طوری که در مواجهه با متن با توجه به تجربیاتی که از جهان هستی معاصر خود کسب کرده و نیز با تکیه بر پیش‌فهم‌ها و پیش‌داوری‌های تاریخی که از گذشتگان به ارث برده، به گفتگوی هر موتیکی با متن قرآن پرداخته است. در این راستا متن را به افق معنایی خود آورده و بر اساس تأویلی که از متن داشته، به ترجمه آن مبادرت ورزیده است تا جایی که این ترجمه را می‌توان یک تفسیر مختصر قرآن هم تلقی نمود. با اینکه مترجم جانب مقصد را گرفته اما با توجه به قدسیت و حساسیت متن قرآن، در ترجمه امانت‌دارانه بسیاری از آیات موفق عمل کرده، به‌طوری که با حفظ قدسیت و امانت متن اما با افزودن تفسیرهایی در پرانتز، الهی قمشه‌ای سعی بر خوانا نمودن و سلیس نمودن عبارات سخت و مبهم و چندلایه قرآنی نموده و خواننده را در درک متن قرآنی یاری رسانده است. بنابراین به‌کارگیری برخی از مؤلفه‌های نظریه لادمیرال همچون تفسیر حداقلی، افزوده‌سازی، تکرار و ابهام‌زدایی در این ترجمه، آن را برای خواننده عام فارسی‌زبان تا حد زیادی برخوردار از روانی و قابل فهم بودن نموده است.

#### منابع:

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای (۱۳۶۸ش). چاپ دوم. تهران: بنیاد نشر قرآن.
- آزادی، علی (۱۳۸۰ش). *نقد و تحلیل و مقایسه تطبیقی دو ترجمه قرآن (پانزده جزء اول) از ترجمه‌های مهدی الهی قمشه‌ای و بهاء‌الدین خرمشاهی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- بستانی، قاسم و حویدر، عباس (۱۳۹۱ش). الهی قمشه‌ای و ترجمه قرآن، *دو فصلنامه پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*، صص ۲۳-۵۲.
- بیکر، مونا و سالدنیا، گابریئلا (۱۳۹۶ش). *دایرة المعارف مطالعات ترجمه*، ترجمه حمید کاشانیان. تهران: فرهنگ نشر نو.
- بیکر، مونا (۱۳۹۳ش). *به عبارت دیگر*، ترجمه علی بهرامی. تهران: نشر رهنما.



کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای . . . ۵۵

پاکتچی، احمد (۱۳۹۲ش). *ترجمه‌شناسی قرآن کریم (رویکرد نظری و کاربردی)*، چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

حقانی، نادر (۱۳۸۶ش). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۲ش). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۳-۲۰. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

لادمیرال، ژان رنه (۱۴۰۰ش). *گزاره‌هایی در باب ترجمه*، ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی. تهران: نشر لوگوس.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۹۷ش). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مجیدی، حسن (۱۳۹۸ش). بررسی نقدی ترجمه الهی قمشه‌ای بر سوره مبارکه بقره، *همایش ملی نقد زبان شناختی ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم*، کرج.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۷ش). *الگوهای ارزیابی ترجمه*، چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

یزدان‌پناه، خداکرم (۱۳۷۷ش). *مقایسه ترجمه قرآن کریم از مهدی الهی قمشه‌ای با ترجمه عبدالمحمد آیتی (ترجمه پانزده جزء اول)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.